



قوم‌نگاری بافته‌های سنتی بافق

پژوهش و نگارش: دکتر سمانه کاکاوند
عضو هیئت علمی دانشگاه هنر ایران

سرشناسه

کاکاوند، سمانه، ۱۳۶۱-

عنوان و نام پدیدآور

قوم‌نگاری بافته‌های سنتی بافق / پژوهش و نگارش سمانه کاکاوند.

مشخصات نشر

تهران: دانشگاه هنر ایران، ۱۴۰۴.

مشخصات ظاهری

۱۷۶ ص.: عکس (رنگی)، جدول.

شابک

۹۷۸-۶۲۲-۸۹۱۳۰-۷-۰

وضعیت فهرست‌نویسی

فیپا

موضوع

حصیربافی -- ایران -- بافق

Straw work -- Iran -- Bafq

صنایع دستی -- جنبه‌های اجتماعی -- ایران -- بافق

Handicraft -- Social aspects -- Iran -- Bafq

بوم‌شناسی اجتماعی -- ایران -- بافق

Social ecology -- Iran -- Bafq

نقش‌های تزئینی -- ایران -- بافق

Decoration and ornament -- Iran -- Bafq

شناسه افزوده

دانشگاه هنر ایران

رده‌بندی کنگره

TT۸۷۶

رده‌بندی دیویی

۷۴۶/۴۱۹۲۳۲

شماره کتابشناسی ملی

۱۰۲۷۹۳۸۷

اطلاعات رکورد کتابشناسی

فیپا

نام کتاب

قوم‌نگاری بافته‌های سنتی بافق

پژوهش و نگارش

دکتر سمانه کاکاوند

ویراستار

مینا حسینی

طراح جلد

ناصر نصیری

صفحه‌آرایی

رامین حکیمی آرا

چاپ اول

۱۴۰۴

بها

۲۱۰۰۰۰۰ ریال

شمارگان

۵۰۰ نسخه

قطع

وزیری

شابک

ISBN: 978-622-89130-7-0 | ۹۷۸-۶۲۲-۸۹۱۳۰-۷-۰

ناشر



تهران، خیابان حافظ، خیابان شهید سرهنگ سخایی،

بعد از تقاطع ۳۰ تیر، شماره ۵۶

تلفن: ۵۶۸۲ ۷۲ ۶۶ (۰۲۱)

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است.

مسئولیت مطالب به عهده نویسنده است و لزوماً دیدگاه‌های دانشگاه هنر ایران

را منعکس نمی‌کند.

تقدیم بہ ادیب و اندیشمندی کہ مرا چراغ راہ است و امید پوش

سرو سحکنوی ایران کہ با قلم و مکتوباتش جانی دگر یافتم

دکتر محمد علی اسلامی ندوشن

پیشگفتار

تاکنون در حوزه مردم‌شناسی بافته‌های سنتی بافق، کار بزرگ و مستقلی به فراخور اهمیت آن صورت نگرفته است. شهر بافق ساختار اجتماعی - فرهنگی خاصی دارد؛ نظام معیشتی ساکنان آن بر محور اشتغال در معدن، باغداری و حصیربافی می‌گردد. با رشد شهرنشینی در ایران، نظام فرهنگی مناطق مختلف کشور تغییرات فراوانی کرده و به تبع آن صنایع دستی و هنرهای سنتی این مناطق نیز پذیرای تحولاتی بودند. هنرهای بومی آئینه تمام نمای مبانی فکری، نحوه زیست و نوع باورهای دینی - آیینی به شمار می‌آیند. در گذار از تحولات اجتماعی و فرهنگی و در آهنگ پرشتاب تحولات صنعتی و اقتصادی و رشد ارتباطات حقیقی و مجازی درون مرزی و برون مرزی تغییر صنایع دستی نیز شتاب گرفته است؛ از این رو با گسترش و توسعه ابزار و وسایل ارتباط جمعی و تسریع انتقال اطلاعات و معلومات جدید از یک سو و تأثیر رسانه‌های اجتماعی بر کالایی شدن فرهنگ و ضرورت مفهوم هنر بومی از جهتی دیگر، ضرورت تمرکز و تدقیق در آنچه هنوز از گنجینه فرهنگی برجای مانده را دوچندان بیشتر می‌کند. محفوظات جامعه سنتی ایران بیشتر متکی بر شیوه‌های انتقال شفاهی بوده و شوربختانه ضمن پراکندن و واگذار نمودن، جنبه‌های مهمی از آن مغفول مانده است. با این حال هنوز هم مصادیق میراث ناملموس و معنوی در شهرها و روستاهای ایران زنده و فعال است و لازم است پیش از آن که این بخش از خزانه فرهنگ، هنر و دانش‌های بومی از ذهن مردم زدوده و مشمول فراموشی گردد در قالب میراث مکتوب ثبت و برای آیندگان محفوظ بماند.

حصیربافی بافق نه به عنوان نوعی سرگرمی، بلکه به مثابه پیشه‌ای بومی و سازگار با اقلیم و طبیعت جنوب شرق استان یزد از اهمیت قابل توجهی برخوردار است. پیوند و آشنایی درخت و انسان دیرینه است و تاریخی درازدامن دارد. حکایتی از یک جانشینی و زیست مبتنی بر اقتصاد کشاورزی است. ارتباط و سازگاری انسان با طبیعت خشک و بیابانی بافق و در تعامل با نخل و در نهایت دهش و سخاوتمندی درخت خرما هم از منظر خوراکی و هم فراهم آوردن مواد اولیه برای بافته‌ای سنتی چشمگیر است. ظرفیت حافظه جامعه در نگهداشت و حفظ انتقال شفاهی

ابعاد گوناگون فرهنگ عامیانه محدودیت داشته و بسیاری از فنون، دانش‌ها، تجربیات و آداب فرهنگی در تغییر ذائقه نسل‌ها در جو کهنکشان ارتباطات از میان می‌روند یا متحول می‌شوند. بنابراین، مکتوب نمودن علوم، معارف، عناصر فرهنگی و هنرهای بومی الزامی و بایسته است؛ از این گذرگاه چنانچه تاریخ، دانش بومی، روش‌های بافت، نقوش و کاربردهای متنوع حصیر بافق به رشته تحریر درنیامده و ضبط و ثبت نگردد، دیر یا زود بخشی از دفينه گران‌مایه میراث فرهنگی بافق از حافظه و یاد تاریخ پاک می‌گردد و آنچه بر جای می‌ماند نیز در اثر تحولات اجتماعی، سیاسی و دگرگونی‌های فرهنگی و اقتصادی دچار دگردیسی شده و رنگی دیگر به خود می‌گیرد؛ ازاین‌رو درج و نگارش و مکتوب نمودن ابعاد متنوع بافته‌های سنتی بافق خاصه حصیربافی که اصلی‌ترین بافته جغرافیای یادشده است، ضروری بوده و علاوه بر آنکه میراث فرهنگی پیشینیان را حفظ نموده و به نسل‌های بعد منتقل می‌نماید، بخشی از شناسنامه هویتی بافق در قلمرو هنرهای بومی را در دسترس پژوهشگران و علاقه‌مندان قرار می‌دهد.

سپاسگزاری

بی‌تردید، ارتقای کیفیت و غنای محتوایی این پژوهش، وام‌دار همکاری‌های ارزشمند، حمایت‌های بی‌دریغ و دانش تخصصی اشخاص و نهادهایی است که نوشتن کتاب حاضر بی‌مدد آن‌ها مقدور نبود. گرچه قدردانی از تمامی ایشان در این مجال ممکن نیست اما سزاوار عمیق‌ترین سپاس‌اند.

پیش از هرچیز بر خود لازم می‌دانم قدردان مهر، شکیبایی و پشتیبانی خانواده ارجمندم باشم که به یقین به ثمر رسیدن پژوهش حاضر نیز مرهون حمایت‌های بی‌دریغ ایشان است. پس از آن، قدردان اشخاص و نهادهایی هستم که هریک به طریقی مؤثر به پیشبرد این مسیر یاری رسانده‌اند: جناب آقای مهدی فتاحی بافقی، جناب آقای هادی فتاحی بافقی و جناب آقای سید جواد سلیمانی؛ مدیران محترم کانون بافق‌شناسی، به جهت حمایت‌های همه‌جانبه در طول مدت انجام تحقیق، نگارش کتاب و تسهیل‌گری در دسترسی به اطلاعات محلی. همچنین، جناب آقای رضا فلاح مبارکه، فرماندار ارجمند شهرستان بافق، به پاس حمایت‌های مؤثر و جامع و فراهم‌آوری بسترهای لازم برای انجام این پژوهش و نیز سرکار خانم لیلی رنجبر بافقی، رئیس محترم اداره میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری شهرستان بافق، به سبب انجام هماهنگی‌های لازم و تسهیل امور اجرایی در طول سفر بافق.

یاری‌گران گردآوری اطلاعات میدانی در طول سفر بافق: جناب آقای علیرضا یاراحمدی، به پاس مساعدت در تهیه و ثبت مستندات تصویری ارزشمند؛ جناب آقای وحید زبرجدی، به سبب حضور، همراهی و همیاری در طول سفر پژوهشی و ضبط فیلم‌ها در حین مصاحبه. قدردانی بی‌کران از هنرمندان شریف حصیرباف بافقی به پاس سعه صدر، مشارکت فعال، اشتراک‌گذاری دانش تخصصی و مساعدت‌های بی‌دریغ در ارائه داده‌های کلیدی میدانی و تسهیل روند تحقیق: سرکار خانم اعظم جعفری، سرکار خانم زهرا قائمی بافقی، سرکار خانم تابنده رحیمی، جناب آقای محمدرضا بابایی بافقی، جناب آقای محمدحسین مرشدزاده، سرکار خانم زری برزگری و جناب آقای حسینعلی قاسمیان.

نیز بر خود لازم می‌دانم مراتب عمیق‌ترین قدردانی خود را از کتابداران و کارشناسان محترم سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران ابراز دارم. همکاری و مساعدت‌های بی‌دریغ ایشان در دسترسی به منابع مرجع و اسناد تاریخی که رکن اساسی نگارش و تألیف این اثر علمی بود، ستودنی است. در پایان، از خداوند متعال برای تمامی بزرگوارانی که با بذل توجه خود، مسیر این پژوهش را هموار نمودند، سلامتی، توفیق و آرامش روزافزون مسئلت دارم.

مقدمه

کتاب قوم‌نگاری بافته‌های سنتی بافق، دستاورد پویشی مستمر است که از زمستان ۱۴۰۲ ایده و دغدغه آن در پی گفتگو با مدیر کانون بافق‌شناسی شکل گرفت. مدیران کانون بافق‌شناسی قائل به برگزاری رویدادی با موضوع حصیر بودند؛ اما پیش از نشست مشترک با نگارنده، با آقای دکتر عبدالحسین آذرنگ دیدار نموده و ایشان فرموده بودند: «به سمت تألیف کتاب بروید از برگزاری چنین گردهمایی و رخدادهایی چیزی حاصل نمی‌شود و پس از پذیرایی دیگر کمتر چیزی به خاطر می‌ماند»، به‌راستی گویی سخن و فکر مرا یک اندیشمند معاصر طرح نموده بود و همین آغازی شد برای کتابی که پیش روست. در همین راستا نگارنده در فروردین ماه ۱۴۰۳ به جهت انجام مشاهدات و مصاحبه با حصیرباغان و فعالان حوزه مربوطه سفری به بافق داشته و مبتنی بر آن، پس از بازگشت به تهران مطالعات کتابخانه‌ای آغاز شد. نخست هاله‌ای از ابهام گرد ایده آغازین نقش بسته بود و حین کندوکاو، مسیر پژوهش چون حفر قنات می‌نمود و هر روز تنها بخش اندکی چراغ می‌افروخت و روشن می‌شد. کاوش هر بخش از گنجینه یزد با مرارت و صعوبت همراه است و در عجب بودم که هرچه دشواری قد برمی‌افراشت شوق نگارنده به شعله آتشکده وهرام شبیه شده بود؛ گرم، مانا و فروزان. هرگز نمی‌اندیشیدم که حصیربافی بافق تا این حد با اسطوره و دانش‌های بومی درهم‌تنیده باشد. رازآلودگی درخت خرما، نخل‌های اوتادی، علم‌های افراشته و ستون‌های استوار دیار بافق باورپذیر نبود. مناظره بز و نخل در درخت آسوریگ را تا پیش از این بارها خوانده بودم و تردید داشتم حق با کدامین است؟ اما حال یقین دارم اگر کویرنشین باشی، درخت آسوریگ را معجزه الهی خواهی دانست، سبز و مقدس! پیر سبز است هرچند جوان باشد! مردم کویر چه هم‌زیستی دیرینه‌ای با نخل دارند، مردم بافق با درخت خرما همسایگی دارند! حضرت ختمی‌مرتبت فرموده‌اند: «هرکس به خدا و روز قیامت ایمان دارد باید همسایه‌اش را حرمت نهد و اکرام کند؛ بنا به فرمایش نغز پیامبر ساکنان بافق «خرمادار» را حرمت می‌گذارند و نخل هم بر مدار سخاوت و پاک‌بازی، ایشان را اکرام می‌نماید. دیگر ایقان حاصل شد که

بافته‌های حصیری بافق، تنها مصنوعات تزئینی و اشیایی بی‌جان نیستند، بلکه برگی از تاریخ فرهنگی کویرنشینان و بافته‌هایی اقلیمی را می‌نمایانند.

«قوم‌نگاری بافته‌های سنتی بافق» در چهارفصل به رشته تحریر درآمده است: فصل اول تاریخ، اقلیم و جغرافیای بافق را در چند بخش مطالعه نموده و علاوه بر آن به اقلیم و درخت خرما، هویت فرهنگی و اقتصاد فرهنگی نیز پرداخته است.

فصل دوم کتاب مشتمل است بر حصیربافی در ایران، مواد اولیه و روش کار، صنایع دستی و بافته‌های سنتی بافق، حصیربافی بافق، هنرمندان و واژه‌نامه حصیر بافق را مطرح نظر داشته است. فصل سوم از هویت فرهنگی بافق، نخل به مثابه نشان فرهنگی بافق، شناسایی طرح و نقوش حصیر بافق و تحلیل مردم‌شناسانه و فرهنگی نقوش شاخص بافته‌های حصیری بافق یاد کرده است. فصل چهارم با عنوان «بوم‌شناسی فرهنگی بافته‌های حصیری بافق مبتنی بر کارکرد» تنظیم شده است. این فصل، ضمن پرداختن به معرفی و طبقه‌بندی فرآورده‌های حصیری بافق به دو دسته کاربردی و تزئینی، به تحلیل هر دو گروه که عبارت است از: فرش حصیری، درپوش کوزه، ظروف نگهدارنده یا حمل‌کننده مواد خوراکی و خواربار اعم از گوشت، کشک و خرما در قالب گوشت‌دان، کشک‌دان، جلتو، سالحو (سالو، صالحو) پرداخته است. در ادامه، محصولات کاربردی حصیری مانند انواع بادبز، پادری، کلاه و ریسمان‌ها مورد تحلیل قرار گرفته و در بخش نهایی فصل چهارم آثار تزئینی با کارکرد سرگرم‌کننده طفلان و ترغیب‌کننده کودکان (شتر و) و مصنوعات تزئینی نوین مطالعه شده است. مطالب کتاب با جمع‌بندی و فهرست منابع به فرجام رسیده است.

سمانه کاکاوند

بهار ۱۴۰۴ / تهران

فهرست مطالب

۱	فصل اول: هویت تاریخی، جغرافیایی و فرهنگی بافق
۳	تاریخ بافق
۳	جغرافیا و اقلیم بافق
۵	اقلیم و درخت خرما
۶	هویت فرهنگی
۹	اقتصاد فرهنگی
۱۰	قوم‌نگاری
۱۳	فهرست منابع فصل اول
۱۵	فصل دوم: هنرهای سنتی بافق
۱۷	هنرهای سنتی بافق
۲۰	حصیریافی
۲۶	مواد اولیه حصیر و شیوه بافت
۲۹	حصیر بافق
۳۱	مهم‌ترین ابزار مورد استفاده در حصیریافی بافق
۳۱	فرآورده‌های حصیری بافق
۳۵	شناخت نظام رنگی حصیر بافق
۴۰	هنرمندان حصیریاف بافق
۴۱	واژگان تخصصی حصیریافی بافق
۴۴	فهرست منابع فصل دوم
۴۷	فصل سوم: بوم‌شناسی فرهنگی نقوش بافته‌های حصیری بافق
۴۹	مقدمه
۴۹	نخل به مثابه نشان فرهنگی بافق
۵۱	نخل

۵۵	قداست نخل در بافق
۵۶	تحلیل بوم‌شناختی «مُغ» در بافت فرهنگی بافق
۶۲	طرح و نقش در حصیر بافق
۶۴	نقوش ملهم از طبیعت و اقلیم استان یزد
۸۱	نقوش ملهم از اشیای پیرامون؛ بافته‌های بومی یزد
۸۴	نقش و نشان بر بادبزن‌های حصیری بافق
۹۲	نقوش نوشتاری
۹۶	فهرست منابع فصل سوم
۱۰۱	فصل چهارم: بوم‌شناسی فرهنگی بافته‌های حصیری بافق مبتنی بر کارکرد
۱۰۳	مقدمه
۱۰۴	دست‌بافته‌های حصیری کاربردی بافق
۱۱۱	سالتو، صالوحو، صالحو، سالحو
۱۳۱	علم؛ یافته‌های باستان‌شناختی
۱۳۳	ادبیات؛ منظومه درخت آسوریگ
۱۳۵	آیین؛ برسم را میان بستن
۱۴۱	بافته‌های حصیری تزیینی بافق
۱۴۸	بافته‌های حصیری تزیینی نوین
۱۵۵	فهرست منابع فصل چهارم
۱۵۹	سخن پایانی